

شعبده بازی حمله نظامی آمریکا

مفتری برای رژیم

درباردار جاسوس طوی مخفیانه آزاد میشود، مبارزه‌ی "خدا مهربا نیستی" با حمله پسته دانشگاه و کربستان ششماه میشود، او بالاخره "فرشتگان آسمانی" با بانک اللهاکبر توطئه‌ی آمریکا را نافرجام میکند. اینها نمونه‌ای از کارها و ادعاها‌ی رژیم جمهوری اسلامی در هفته‌ی گذشته بود.

شکست نینجا مدولی تا امروز که ده‌ها سال از هراین سازمان جنایتکار میگذرد حتی یک بار نیز مقامات رسمی آمریکا بیکی از آنها اعتراف نکرده‌اند. آیا با پیدا و برداریم که در این مورد "فرشتگان" آقای کارتر را مجبور به اعتراف بلامقدمه و سریع به شکست توطئه خود کرده‌اند؟ بنظر میرسد که جوابی برای این سؤال موجود نیست و بهمین جهت است که زما مداران ایسران توضیح انجام این معجزه را بدهند. "نیروی اللهاکبر و خواست فرشتگان" گذاشته‌اند.

سؤال دیگر این است که اولاً چگونه میتوان باور کرد که ناگهان سه ملی کوپتر از هشت ملی کوپتر آمریکا‌ی که قطعاً مورد امتحان و آزمایش بسیار بوده‌اند از کار رسیا فندوبیا در نظر گرفتند اینک بگفته خودشان دو هلیکوپتر نقش یکدی داشته‌اند چگونه است که آمریکا کمبود یک هلیکوپتر را بر طرف نکرده و به عملیات ادامه نداده‌است؟ آیا واقعیت اینست که آنان نیز خرافاتی شده و وقوع تصادف در ابتدای کار را بدشگون دانسته و تشخیص داده‌اند که بهتر است آدمهای مادی بشوند و به شکست خود اعتراف کنند؟ آیا کارتر و رسیا نیز بیادداستان "تاروما رشن فیلهای ابرهه توسط پرنده‌های سنگ‌انداز" افتاده‌اند و از عاقبت کسار هراسیده‌اند؟!

سؤال در این زمینه‌ها بسیار است. به موارد زیر توجه کنید

- گفته‌ها و رولدبراون وزیر دفاع آمریکا، یکبار دیگر نیز در آبان ماه آمریکا عده‌ای را به همین منظوره تهران فرستاده و بعد آنها را فراخوانده‌است. در آن زمان نیازی به اعتراف به گناه نبود چرا امروز از قضا یا پرده برداری میشود؟

- کارتر شش ماه صبر کرد و از ماهیت عملیات آبان سخنی نگفت. چه شده‌است که اکنون هم‌بگناهان گذشته و هم‌به معاصی‌جا اعتراف میکند. آیا آقای کارتر قصد خودکشی انتخاباتی دارد و بیسایا اینکه فشار نفوس مقدسه غیر قابل مقاومت شده‌است؟

- ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران در اطلاعیه اول خود مدعی شد که دوفرهنگ‌های ایما‌ی آمریکا بی در نتیجه تعقیب جنگنده‌های نیروی هوایی یکدیگر برخورد نموده و آتش گرفته و در حوالی طیس سقوط کرده‌اند. منشاء این دروغ ناخدا راز کجا بوده است. این دروغ باین صورت چرا گفته شده، و کسی که آنرا جعل

"حمله‌ی نافرجام نظامی آمریکا به ایران" یکبار دیگر فرصتی بدست رژیم داد تا بخشی از توده‌ی مردم را هلهله‌کنان به خیابانها بکشاند و الله اکبر گویان چنان گردد و خاک‌کند که کشتار دد مشانه‌ی خلق کرد را تحت الشعاع فرار دهد.

هنوز زود است که بتوان از میان اظهارات متضاد دو طرف دروغگو - رژیم‌های ایران و آمریکا - واقعیت قضیه را دریافت. آنچه طرفین میخواهند بمرمدم بقبولانند اینست که این توطئه طرحی برای آزاد کردن گروگانها بوده است. اما از آنجا که رژیمهای ارتجاعی هیچگاه بمرمدم راست نمی‌گویند، و تنها تحت فشار و اجبار است که ممکن است بعضی از حقایق را فاش کنند، و نیز از آنجا که گذشته‌ها نشان میدهد که همین رژیمها دروغهای گستاخانه بسیار گفته‌اند، و باز از آنجا که بنظر میرسد که "فرشتگان الهی" نه تنها در شکست توطئه‌ی آمریکا سهیم بوده‌اند بلکه در زمان وقوع آن و "تصادف" آن با وقایع کردستان نیز نقش داشته‌اند، برای کسانی که ماهیت رژیم را می‌شناسند، سئوالهای فراوانی علاوه بر نقش مقدس فرشته‌های آسمانی مطرح میشود. اهم این سئوالها در ارتباط با بررسی امکان نقش فرشتگان - جاسوسان سیا و همکاران آنست. بجاست که در این مرحله که واقعیت روشن نشده است، برخی سئوالها و ملاحظات را مطرح کنیم.

اولین و شاید مهمترین سئوال اینست که چه عاملی باعث شده است که کارتر جانی، "معمومانه" قبل از آنکه دولت ایران بوئی از جریانات برده باشد به شروع و شکست طرح خود اعتراف کند. یا در نظر داشتن آنکه افتاء هیچ توطئه‌ای از جانب توطئه‌گران بی علت نیست، و با در نظر داشتن آنکه برای آمریکا میسر بوده است که جنازه‌های مامورین خود را خارج کرده و لاشه‌ی هواپیمای معدوم را به دست یابد و ماسه‌ی گویر بسیار تا سالها بعد بعنوان آثار عتیقه "کنف" شود، "مدافعت" آقای کارتر میتواند بسیار مورد شک قرار گیرد. روزی نیست که توطئه و جنایتی از طرف "سیا" در گوشه‌ای از جهان اجرا نشود و به پیروزی یا

کرده به مقامات مسئول چه توضیحی داده است؟

● هواپیماهای ۱۳۰-۵ هرکول فائدرند که در ناخوارترین زمین ها فرود آیند . انتخاب طین در شرق ایران بجد دلیل بوده است ؟
● بگفته رابرت باومن نماینده کنکره آمریکا (اطلاعات شش اردیبهشت) یکی از هلیکوپترهای بحا مانده حاوی اسنادی است که جزئیات "عملیات نورسبز" را مشخص میکند . حتی اگر این ادعا صحیح نباشد با شد مسلم است که دولت ایران میتواند نسبت از بررسی تجهیزات هلیکوپترها و بخصوص از کالیدشکافی جنازه های ماه مورین آمریکائی اطلاعات بسیاری بدست آورد . بمباران عجلانه هلیکوپترهای بدون سرنشین آمریکائی (و آنقدر عجولانه که پاسدار بزدی که گفته میشود "دستی به اسناد در ساندیده بود" فرصت دور شدن از صحنه را نداشت . بدون تردید توطئه ردیلا نه ای برای از بین بردن مدارکی است که میتواند در روشن کردن قضیه موثر باشد . هیچ پلیسی مدارک جرم را نابود نمیکنند مگر آنکه همکاری محرری جرم باشد .

● داستان رادارها نهایت ابتذال را نشان میدهد . کویسا آمریکائی ها از "نقاط کور" رادارها مطلع بوده اند و از آن استفاده کرده اند . سنا دم مشترک ارتش جمهوری اسلامی و سایر ارگانهای ارتجاعی رژیم در چهارده ماه گذشته آنقدر نگران سرکوب نیروهای مترقی و خلقهای ایران بوده اند که فرصت نکرده اند و بایا د آن نیفتاده اند که برای "نقاط کور" رادارها جاره ای بیاندیشند . فرماندهی نیروی هوایی، ژنرال باثری در پاسخ این سوال و سوالهای دیگر چنان کنسک و مبهم جواب میدهد که تردیدی در اینکه وی از ماجرا حسیر داشته است باقی نمی گذارد .

"تسمار" شاد مهر نهایت حماقت و از نقطه نظر دیگر درایت خود را زمانی نشان داد که مدعی شد رادارها سلب کرد و خاک نتوانستند تشخیص دهند هواپیماها آمریکائی هستند یا ایرانی . شاید مردمی که رادار ندیده اند این سخن را باور کنند ، ولی فکرمی کنیم تعداد کسانی که تفاوت رادار و تلویزیون را می دانند کم نباشد . عجب اشتباه کوچکی!

با این سوالات نمیتوان ده ها سؤال دیگر افزود . اما غرض حاصل است . هیچ فردی بحر ایلهان ، بحر کسانیک سه مخاطبین کوش فرمان رژیم هستند این اراجیف را نخواهند پذیرفت . واقعیت چیست ؟ میدانیم و شاید تا مدت ها نیز ندانیم . اما این بخش از واقعیت را میدانیم کسه رژیمهای دروغگو ، جبری را از مردم پنهان میکنند .

قطب زاده دعوت به خونسردی و حفظ آرامش می کند . بنی صدر میگوید "ما شکایتی نداریم" و غالب است که دستور بمباران هلی کویترهای محتوی اسناد را هم می دهند . "شورای انقلاب" تا این لحظه یک اعلامیه دو خطی در اینباره منتشر نکرده است ! دولت ایران هیچ شکایتی از آمریکا به "مراجع بین المللی" نکرده است . آیت الله کئی بعد از اشاره به کشته شدن پاسداران میگوید ، مسائل دیگری هست که به صلاح نیست ذکر شود . به صلاح چه کسی ؟ معلوم است دست اندرکاران رژیم ، و جالبتر از همه اینکه یک منبع در وزارت خارجه آمریکا میگوید : "از طرف ایرانی ها در سطوح بالا همکاری وجود داشته است" و ما

با این بخش از سخنان بنی صدر موافقیم که این جریسان با جریانات دانشگاه و کردستان بی ارتباط نیست . اما آقای بنی صدر سخنان دیگری نیز در این رابطه گفته است که اگر نه افشاگر ماهیت توطئه که لااقل افشا کننده میزبان درک و حساسیت اوست . ایشان در مقابل سؤال خبرنگاری که در مورد رادارها سؤال میکرد فرمودند :

"در مورد وضعیت استقرار رادارها نمیتوانیم اطلاعی بشما بدهیم . البته بر امریکائی ها معلوم است ولی لازم نیست که ما اطلاعات را در اختیار همه بگذاریم ."

این یک شاهکار ! امریکائی خودمانی است ولی "همه" نیستند . اما شاهکار دوم که برآستی نمایشگر ابتذال در نهایتهای خود است این بود که در شامگاه "حمله ی نا فرجام" هنگامی که بنی صدر بعنوان رئیس جمهور ایران و فرماندهی کل قوا و رئیس شورای انقلاب از جریان باز دید خود از محصل عملیات سخن میگفت ، بجای نشان دادن یک ذره "غیبت" و خشم از تجاوز بیگانگان بخاک ایران ، از حملتهای امیربالیسم و ... بیاد شوخی لوس و بیبزمه ی گرم شیرهای وار می افتد و طبع لطیفش گل میکند و در مورد "تاخت زدن هواپیماها و دانشجویان" مزه می پراند . این نمونسهی سیستمی است که رئیس جمهورش ادعای مبارزه با امیربالیسم میکند و در مقابل حمله ی امیربالیسم "بازرگان وار" ادای لوطیان دربار قارجار را در میآورد . اینان خیال میکنند که مردم را به بازی گرفته اند اما ما به آنها نشان خواهیم داد که جای خنده کجاست و جای تربه کجا . به آنها نشان خواهیم داد که حتی همکاری و حادثه آفرینی ارباب امیربالیست نیز نخواهد توانست تا دیرگاه نه بر توطئه های این سوی کشور - مرز افغانستان - سابه بیفکنند و نه بر توطئه های مرزهای آن سوی کشور - کردستان .

درست است آقای بنی صدر ، بگفته ی شما اینها همه بهم ارتباط دارند . اما ما رشته ی این ارتباط را قطع خواهیم کرد و نه به شما و نه به بزرگترهای شما اجازه خواهیم داد که شعور یک ملت را به سخره بگیرد و در همان حال جنازه های فرزندان دلاورش را در خانه ها و خیابانهای سندندهایش طعمه ی حیوانات گرسنه کنید . دلچکی به اسم هویدا داشتیم که دست همه ی شما را از پشت می بست ، سرنوشت او باید برای شما هم عبرت انگیز باشد . ●

هفته نامه

رهائی

نشریه سازمان وحدت کمونیستی